دوفصلنامه علمی ـ تخصصی گفتمان فقه تربیتی
سال هجدهم/ شماره ۳۲/ پاییز و زمستان ۱۴۰۵

Two quaterly scientific- specified educational jurisprudences association
Years, 18 No.32, Autumn & Winter 2026

بررسی رویکردها (الگوها) در ارزشیابی آموزشی

□ رجبعلی افتخار *

چکیده

ارزشیابی آموزشی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های نظام تعلیم و تربیت است که، نقش اساسی در سنجش میزان تحقق اهداف آموزشی، بهبود فرآیند یاددهی-یادگیری و تصمیم‌گیری‌های آموزشی ایفا می‌کند. این تحقیق با عنوان بررسی رویکردهای ارزشیابی آموزشی و با هدف بهبود یادگیری و ارتقای کیفیت آموزش انجام شده است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد با تحول نظریه‌های یادگیری و آموزش، رویکردهای متنوعی در ارزشیابی آموزشی شکل گرفته‌اند. هر یک از این رویکردها دارای مبانی نظری، اهداف و روش‌های خاص خود هستند. الگوی ارزیابی هدف مدار، مدیریت گرا، هدف آزاد، اعتبار سنجی، مدافعه، اجرای عمل، طبیعت گرایانه و الگوی مبتنی بر نظر خبرگان از مهمترین رویکردهای موجود در مورد ارزشیابی آموزشی است که مورد توجه اندیشمندان حوزه آموزش بوده است.

کلیدواژه‌ها: آموزش، پرورش، ارزشیابی، رویکردها، هدف و الگوی ارزشیابی.

* دکتری فقه تربیتی، جامعة المصطفیﷺ العالمیه، افغانستان.

مقدمه

به طور طبیعی هر نظام آموزشی در چرخه حیات خود، با سؤالات متعددی مانند پرسش‌های زیر روبرو هستند: نظام آموزشی موجود تا چه اندازه پاسخگوی نیازهای فردی واجتماعی می‌باشد ؟.آیا با تحولات فن‌آوری وتکنولوژیکی، ونیز تغییرات اجتماعی، سیاسی واقتصادی هماهنگی لازم را دارد؟ تا چه میزان به رشد توانایی‌های فردی افراد وهدایت آنان در جهت توسعه اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی کمک کرده است؟ پاسخ به سوالات فوق ومشابه آن مستلزم داشتن نظام ارزشیابی است. بدون تردید استفاده ازساز وکار ارزشیابی شرایط لازم را برای شفافیت عملکردی نظام آموزشی فراهم می‌کند؛ چرا که ارزشیابی آموزشی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های نظام تعلیم و تربیت است که، نقش اساسی در سنجش میزان تحقق اهداف آموزشی، بهبود فرآیند یاددهی-یادگیری و تصمیم‌گیری‌های آموزشی ایفا می‌کند. به عبارت رساتر ارزشیابی آموزشی آینه‌ای فراهم می‌آورد تا تصمیم‌گیران ودست اندر کاران فعالیت‌های آموزشی، تصویری از چگونگی فعالیت‌ها بدست آورند. (بازر گان،۱۳۸۰،ص۱) بنا براین ارزشیابی فرایندی است که مسیر فعالیت‌ها را هموار می‌کند تا فعالان عرصه تعلیم وتربیت با گام‌های سنجیده به فعالیت‌های شان ادامه دهند. در گذشته، ارزشیابی عمدتاً بر اندازه‌گیری نتایج یادگیری و نمره‌دهی متمرکز بود، اما با تحول نظریه‌های یادگیری و آموزش، رویکردهای متنوعی در ارزشیابی آموزشی شکل گرفته‌اند. هر یک از این رویکردها دارای مبانی نظری، اهداف و روش‌های خاص خود هستند.

گفتنی است ارزشیابی آموزشی یک شاخه علمی درحوزه علوم تربیتی است که در دهه (۱۹۶۰) تولد یافته است و در ذیل آن مباحثی مطرح می‌باشد از مباحثی مطرح درآن این است که چگونه ارزشیابی کنیم؟ در پاسخ به سوال یادشده ازسوی اندیشمندان این حوزه راهکارهای ارایه شده است که، بعضا تبدیل به یک الگو یا رویکردی ارزشیابی گردیده است نگارنده برآنست در این نوشتار الگوهای ارزشیابی را به صورت اجمال بررسی نماید تا بتواند از رهگذر آن به یک الگوی مناسب دست یابد.

واژه‌شناسی

رویکرد

رویکرد (الگو) از واژگان اساسی در این پژوهش است ومراد ازآن در اینجاگرایشی است که، یک دانشمند بر اساس آن الگوی از ارزشیابی را ارایه می‌دهد چنانچه خواهد آمد برخی الگوها به الگوی هدف محور شهرت یافته است که در نوع خود یک نوع گرایش را نشان می‌دهد وبرخی به الگوی مدیریت گرا شناخته شده است. از آنجای که مراد از رویکرد الگوی ارزشیابی می‌باشد، لازم است که واژه الگو هم از لحاظ مفهومی مورد بررسی قرار گیرد. الگو در لغت به معنای نمونه وسرمشق آمده (عمید، ۱۳۸۵،ص۲۲۴) اما از دیدگاه متخصصان علوم مختلف واژه الگو تعبیر ویژه دارد: استفاده از توصیف یا تشبیه به منظور تجسم یا درک پدیده پیچیده. در ارزشیابی آموزشی الگو متشکل از اصول طبقه بندی شده برای ارزشیابی است .(بازرگان، ۱۳۸۰ص۸۷) مراد اصول هم، حاصل تجربه‌های گوناگون متخصصان ارزشیابی است (همان).

۲. ارزشیابی

فرهنگ روانشناسی آرتوروبر ارزشیابی را در معنی عام" تعین ارزش ویا اهمیت یک چیز" می‌داند و به صورت خاص‌تر ارزشیابی را تعین میزان موفقیت یک برنامه، یک درس، یک سری آزمایش و... در رسیدن به هدف‌های اولیه" می‌داند (به نقل از خورشیدی،۱۳۸۲ص۳۸ـ۳۹) اما در لغت‌نامه‌های فارسی واژه ارزشیابی به کار نرفته است ولی واژه‌های ارزیابی وارزیاب به کار گرفته شده است .در فرهنگ معین" ارزیابی به عمل ارزش و بهای هر چیز،سنجش وبررسی حدود هر چیز وبرآورد کردن ارزش آن وارزیاب، کسی که ارزش هر چیزی را معین می‌کند" معنی شده است. (معین ۱۳۷۱، ج۱، ص۲۳۰)

در مورد مفهوم ارزشیابی دیدگاه صاحب نظران متفاوت است ودر موارد زیاد شبیه هم هستند، ودر اینجا بذکر سه مورد بسنده می‌شود:

۱ـ اولین تعریف به رالف تایلر منسوب است. وی ارزشیابی را"وسیله ای جهت تعیین میزان موفقیت برنامه دررسیدن به هدف‌های آموزشی مطلوب " می‌داند (به نقل از خورشیدی، ۱۳۸۲

ص۳۹) طبق این تعریف هدف‌ها از قبل تعیین شده است و فرایند ارزشیابی در پی این است که تعیین کند هدف‌ها تا چه میزان در رفتار فراگیران تجلی پیدا کرده است. .

۲ـ ارزشیابی از نظر کرانباخ عبارت است از جمع‌آوری اطلاعات واستفاده از آن جهت تصمیم‌گیری در مورد یک برنامه آموزشی. (به نقل از خورشیدی،۱۳۸۲ص۴۱) کرانباخ هم مانند تایلر به اطلاعات تاکید دارد تا از طریق آن معلوم کند برنامه آموزشی که اجرا شده چه تغییرات را در فراگیران بوجود آورده است.

۳ـ دکتر تقی پور ظهیرنیز ارزشیابی را " جمع آوری اطلاعات واستفاده ازآنها برای تصمیم گیری می‌داند" (تقی پور ظهیر،۱۳۸۵ص۱۹۷)

از مجموع تعاریف که ذکر شد به این نتیجه می‌رسیم که ارزشیابی وسیله ای است که از رهگذر آن مشخص می‌شود تاچه اندازه یک برنامه پاسخگوی نیازهای اجتماعی وفردی جامعه می‌باشد و به چه میزان توانسته به رشد فکری و توانایی‌های بالقوه متربی کمک نماید.

رویکردهای ارزشیابی آموزش

براساس تحقیقات برای فعالیت‌های آموزشی بیش از ۵۰ الگوی ارزشیابی پیشنهاد شده است (worthen &sanders 1987:43) (به نقل ازبازرگان،۱۳۸۰ ص۸۷) دلیل تعدد الگوها هم تحول حوزه ارزشیابی در دوره مختلف ذکر شده است. از سوی دیگر، برخی از الگوها از دیدگاه‌های متفاوت به ارزشیابی آموزشی پرداخته اند.(بازرگان،۱۳۸۰ص۸۷)

طبیعی است که پرداختن به همه الگوها ضرورتی ندارد و از حوصله این تحقیق خارج می‌باشد؛ چرا که اندیشمندان الگوهای ارزشیابی را به گروههای مختلف دسته بندی کرده‌اند و هرکدام از این الگوها در یک دسته خاص قرار می‌گیرند لذا جهت رعایت اصل اختصار ابتداء دسته بندی‌های معروف را بیان آنگاه یکی از دسته بندیها که از جامعیت نسبی برخوردار است، را مورد بررسی بیشتر قرار می‌دهیم.

دسته بندی ارزشیابی

دکتر بازرگان در کتاب ارزشیابی آموزشی به برخی این دسته بندی‌ها اشاره کرده است البته نویسندگان فارسی زبان دیگر هم مشابه کار ایشان را انجام داده‌اند ولی با اندک تفاوت. اولین

دسته بندی الگوها از اسکریون است .وی الگوی ارزشیابی را به تکوینی وپایانی تقسیم بندی می‌کند. تقسیم بندی دیگر را پاپهام انجام داده است وی الگوها را به سه دسته تقسیم بندی می‌کند: الگوهای مبتنی بر تحقق اهداف، الگوهای قضاوتی(ملاک‌های درونی وبیرونی)، الگوهای تسهیل تصمیم گیری.

مرکز مطالعات ارزیابی(دانشگاه کالیفرنیا)به دسته بندی هفتگانه اشاره دارد:

۱. الگوهای تصمیم گرا؛

۲. الگوهای هدف گرا؛

۳. الگوهای پاسخگو یانه ؛

۴. الگوهای مبتنی بر طرح‌های تحقیق آزمایشی (برای تبین رابطه علی)

۵. الگوهای هدف آزاد؛

۶. الگوهای مبتنی برمدافعه؛

۷. الگوهای کار برد گرا،

همانگونه که ملاحظه می‌شود هریک از این الگوها بر یک هدف خاص تاکید دارند چنانچه دسته اول برسنجش پیشرفت تحصیلی یاد گیرندگان ودسته دوم بر نیازهای اطلاعاتی تصمیم گیرندگا ن ودسته سوم بر فرایند برنامه تاکید دارند (بازرگان، ۱۳۸۰ص ۸۸ـ۸۹)

ماورتن وساندرز(به نقل از بازرگان همان ص۹۱) الگوها را به شش گروه دسته بندی کرده است:

۱ الگوهای هدف گرا ؛

۲. الگوی مدیریت گرا ؛

۳. الگوی مصرف کننده گرا؛

۴. الگوهای مبتنی بر نظر خبرگان؛

۵. الگوی مبتنی برمدافعه؛

۶) الگوی طبیعت گرایانه ومشارکتی؛

دکتر بازرگان (بازرگان، همان) معتقد است که اگر ما «دیدگاه‌های یاد شده را مبنای پاسخ به سوال‌های ارزیابی قرار دهیم، الگوهای ارزیابی آموزشی به دو دسته کلی کمی وکیفی تقسیم

می‌شوند: «اگر این دو دسته الگو بر دو انتهای یک طیف قرار داده شوند به گونه‌ای که در یک انتهای طیف الگوهای کاملا کمی و در انتهای دیگر آن الگوهای کاملا کیفی قرار داشته باشد، الگوهای مختلف ارزیابی میان آن دو انتها واقع می‌شوند». (بازرگان، همان ص۹۱).

هاوس (۱۹۸۸،به نقل از بازرگان،همان) تقسیم بندی هشتگانه ای را پیشنهاد داده است که تا حدودی جامع است. الگوهای پیشنهادی وی هم طیفی از الگوها ی ارزیابی است که دو انتهای آن الگوهای کمی و کیفی قرار دارند. مبنای ما در این تحقیق الگوهای هشتگانه ای " هاوس" است و هر یک از الگوهای پیشنهادی وی را بطور اختصار شرح می‌دهیم الگوهای هشتگانه ای "هاوس به ترتیب ذیل است:

الگوی ارزیابی تحقق هدف‌ها

در این رویکرد هدف‌های کلی ودقیق مورد تاکید است وارزیابی بدنبال این است تا مشخص کند که هدف‌ها به چه میزان محقق شده‌اند. سوالات اساسی ارزیابی مورد نظر در این رویکرد عبارت‌اند از: آیا شرکت کنندگان در برنامه به هدف‌های آموزشی دست یافته اند؟ آیا مدرسان برنامه به تحقق هدف‌ها کمک کرده‌اند ؟ در این دسته از الگوها دو امر به صورت مفروض تلقی شده است، فرض اول اینکه هدف‌های مورد ارزیابی از قبل تعین شده است؛ فرض دوم این است که (بازرگان،همان ص۹۳) متغییرهای برونداد را می‌توان به صورت کمی اندازه گیری کرد. روش مورد استفاده در این الگوها استفاده از هدف‌های عملکردی وآزمون‌های پیشرفت تحصیلی است. اولین کسی که الگوی ارزیابی هدف محور را پیشنهاد داده است اسمیت وتایلر است افراد دیگر چون پرووس، بلوم وهمکاران و پاپهام هم در زمینه این الگوها آثاری دارند ولی تایلر نماینده اصلی این الگو شناخته شده است.

از نظر دکتربازرگان الگوی تحقق هدف‌ها به سوالات خاص پاسخ می‌دهند مانند: آیا هدفهای برنامه تحقق یافته است؟ تا چه میزان یاد گیرندگان بر هدف‌های مورد نظر تسلط یافته اند؟ اما به وسیله این الگو به این سوال که«آیا هدف‌های برنامه مورد پذیرش قرار گرفته‌اند ؟» یا این که «آیا هدفها قابل توجیه اند؟» پاسخ داده نمی شود (بازرگان همان ص۹۳) شاخصه اصلی

این رویکرد این است که هدف‌ها از قبل مشخص شده باشد وهدف ارزیابی هم اندازه‌گیری پیشرفت تحصیلی می‌باشد.

الگوی ارزیابی مدیریت‌گرا

در این رویکرد هدف اصلی تشخیص نیازهای اطلاعاتی مدیران وتصمیم گیرندگان وتحقق بخشیدن به نیازهای اطلاعاتی آنها است. سوالات که این دسته از الگوها پاسخگوی آنها می‌باشد از این قبیل اند: آیا نظام (برنامه) باتوجه به فعالیتهای انجام شده، اثربخش بوده است؟ چه بخش از برنامه اثر بخشی لازم را داشته است ؟ (بازرگان،همان) از الگوی سیپ به عنوان نماینده اصلی این دسته یاد شده است که شامل چهار نوع ارزیابی است: زمینه،درونداد، فرایند وبروندادد. در الگوی سیپ مفروض اصلی آن است که هدف‌های کلی نظام (برنامه) مشخص بوده، ملاکهای ارزیابی معین هستند. در صورتی که هدف‌های برنامه از قبل آشکار نباشد، در الگوی سیپ ابتداء به ارزیابی زمینه پرداخته می‌شود.از طریق این ارزیابی، نیازها سنجیده وسپس هدفهای برنامه مشخص می‌شود.

الگوی دیگری که از زیر مجموعه این دسته محسوب می‌شود الگوی «دانشگاه کالفرنیا لوس آنجلس»است.

چنانچه اشاره شد الگوهای که در این دسته قرار دارند به منظور تسهیل تصمیم گیری مدیران ودسا اندرکاران آموزش وپرورش است از این رو در این الگو تاکید بر گرد آوری اطلاعاتی است که، مورد نیاز مدیران است لذا قبل از به کارگیری این الگو باید مشخص شود که آنها با چه موضوعات سروکار دارند و به چه نوع اطلاعات نیاز دارند آنگا به ارزیابی بپردازند.

الگوی ارزیابی هدف ـ آزاد

این دسته از الگوها به قضاوت در باره تمام آثار برنامه می‌پردازند (بازرگان همان ص۹۶) ولو اینکه آن آثار جزء اهداف از قبل تعیین شده نباشد در حالیکه الگوی هدف محور به تحقق هدف‌های از قبل مشخص شده تاکید داشت . بنا براین الگوی هدف آزاد(بازرگان همان) «ابتدا در باره کلیه آثار یک برنامه آموزشی بدون توجه به اهداف آن قضاوت می‌کند . سپس بین اجرا برنامه واین

اثرها رابطه بر قرار می‌کند» مخاطب در این دسته از الگوها مصرف کنندگان آثار برنامه هستند.

اسکر یون از پیشنهاد کننده‌های این دسته است . وی بر این نکته تاکید دارد که «اگر در ارزیابی برنامه، ارزیاب نظر خود را فقط به هدف‌های برنامه معطوف کند، وسعت دیدگاه او محدود شده، آثار جانبی برنامه را نا دیده می‌انگارند» (به نقل از بازرگان، ۱۳۸۰ ص۹۶) شیوه‌های که در این الگو مورد استفاده قرار می‌گیرند شیوه‌های مردم شناختی ورهیافت‌های کل گرا اصولا روشهای کیفی است.

الگوی مبتنی بر نظر خبرگان

در این الگو به دیدگاه‌های انتقادی صاحب نظران متخصص نسبت به برنامه عنایت شده است، از این رو به این سوال ارزیابی پاسخگو است که آیا منتقد متخصص برنامه را تایید می‌کند یا نه؟ به عبارت دیگر آیا برنامه، انتظارات متخصصان را برآورده کرده است یانه؟ از پیشنهاد دهندگان این الگو ایزنر است . وی براین باور است که «برای ارزیابی آموزشی باید به بازنگری انتقادی از یدگاه منتقدان متخصص پرداخت » به نقل از بازرگان همان ص۹۷). از نظر ایزنر خبرگی ونقادی دو رکن ارزشیابی آموزشی است وجنبه ای هنری دارد چنانچه می‌گوید: خبرگی ونقادی دو نیمه ارزشیابی بوده وهر دو ریشه در هنر دارند. (آیزنر، ۱۹۸۵، ص۱۹۲، به نقل از مهجور، ۱۳۷۶ ص۲۲۶) . در ارزیابی برنامه‌های درسی از این الگو استفاده می‌شود. ایزنر برای ارزشیابی آموزشی، پنج کار کرد به شرح زیر پیشنهاد کرده است:

۱ـ تشخیص مشکلات یاد گیرندگان برای توصیه موادآموزشی؛

۲ـ مقایسه برنامه‌ها وبرخی عوامل دیگر نظام آموزشی(مانند سازماندهی مدرسه،تدریس،...)؛

۳ـ پیش بینی نیازهای آموزشی؛

۴ـ تعیین اینکه آیا هدف‌های آموزشی نحقق یافته است ؟؛

۵ـ تجدید نظر در برنامه ریزی درسی؛

مخاطبان این الگو خبرگان و مصرف کنندگان اند. هدف از آن نقد تخصصی با معیارهای علمی برنامه وبهبود آن است .

الگوی اعتبارسنجی

اعتبار سنجی (بازرگان همان ص۹۹) فرایندی است که طی آن برنامه (یا سازمان) مورد نظر ابتدا از طریق ارزیابی درونی در باره وضعیت موجود خود در مقایسه با هدف‌های بیان شده قضاوت می‌کند. هدف ارزیابی اعتبار سنجی هم این است که اعضا را نسبت به بهبود وضعیت موجود ترغیب می‌کند . هدف از آن این است که برنامه ها،سازمان ها، ومؤسسات آموزشی را با معیارهای ویژ مورد قضاوت قرار دهند.

این الگو از لحاظ قدمت سابقه ای بیشتر دارد در اوایل قرن بیستم برای قضاوت در باره سازمان‌های آموزشی مورد استفاده بوده است .انجمن نورث سنترال (بازرگان همان) از جمله پیشگامان استفاده از این الگو در آموزش عالی بوده است .

الگوی مبتنی بر مدافعه

در تعریف این الگو گفته شده است: الگوی مبتنی برمدافعه عبارت است از ارزشیابی به شیوه قانونی. به عبارت دیگر محاکمه آموزش وپرورش است به وسیله هیت منصفه .(خورشیدی، ۱۳۸۲ ص۱۹۳) منظور از الگوی مبتنی بر مدافعه چنانچه از تعریف بدست می‌آید اینکه ارزشیابی به شیوه محاکم قضایی انجام می‌شود؛ یعنی نظرهای متضاد در برابر هیئت منصفه با حضور گروهی از متخصصان آموزشی ابراز می‌شود آنگاه داد رسی آموزشی به عمل می‌آید. شیوه که به کار برده می‌شود شامل چهار مرحله است: ۱ـ مرحله تدوین موضوعات مورد رسیدگی؛ ۲ـ مرحله انتخاب موضوعات مورد رسیدگی؛۳ ـ مرحله تدارک مباحث؛ ۴ـ مرحله دادرسی.

دکتر بازرگان بر این باور است که «این دسته از الگوها در زمره الگوهای کیفی منظور می‌شود و استفاده از آنها موجب می‌شود که، علاوه بر داده‌های کمی، بتوان از داده‌های کیفی نیز بهره گرفت » (بازرگان،همان ص۱۰۱).

الگوی اجرای عمل

این دسته از الگو با فرایندهای آموزشی سرو کار دارد این نوع الگو به نام الگوی استیک شهرت

یافته است. پارلت وهامیلتون از این ازریابی به مثابه‌ای روشنگری یاد کرده‌اند. روش ارزیابی در این الگو به گفته رابرت ریپی (به نقل از بازرگان همان) توصیف چگونگی عملیات آموزشی در نظام برنامه است. به عبارت دیگر، در انجام این امر، به جنبه‌های اجتماعی، روانشناختی و ارتباطی نظام (برنامه) پرداخته می‌شود.

از ویژگی این الگو آن است که کمتر به هدفهای برنامه توجه می‌شود و به چگونگی اجرای عملیات آموزشی می‌پردازد.

الگوی طبیعت گرایانه و مشارکتی

این الگو چانچه از اسم آن پیدا است (بازرگان،همان ص۱۰۳) برمشارکت افراد تحت تاثیر برنامه‌های ارزشیابی تاکید دارد. وهدف از آن این است که مردمی که زندگی شان مورد بررسی قرار می‌گیرد به جای اینکه صرفا موضوع مورد بررسی باقی بمانند، بطور فعال در امر بررسی شرکت می‌کنند. .درجریان این ارزیابی تنها به واقعیت‌های عینی اکتفا نمی‌شود، بلکه چگونگی درک مردم از واقعیات وپدیده‌های که با آنها سرو کار داشته باشد را نیز در بر می‌گیرد.(خورشیدی،۱۳۸۲ص۱۹۴)

پیشنهاد کننده این الگو پاـولوفرراست (بولا ۱۳۶۲به نقل از بازرگان همان ص۱۰۲) الگوی دیگر که در این دسته قرار می‌گیرد الگوی است که، توسط استیک ارایه شده است و سیمای آموزشی نام گرفته است. نکته ای حایز اهمیت در ذیل این الگو این است که الگوی مذبور زمینه‌ای فراهم می‌کند تا همه مشارکت کننده‌گان (افراد ذی ربط،ذی نفع وذی علاقه) در فرایند قضاوت نسبت به برنامه مورد ارزشیابی سهم بگیرند.

آنچه ذکر شد مجموعه ای از الگوهای ارزشیابی است که، توسط هاوس دسته بندی شده است و به نظر می‌رسد که از جامعیت بر خور دار است وشایسته است که در فرایند ارزشیابی برنامه‌های آموزشی ودرسی مورد استفاده قرار گیرند، چه اینکه ارزشیابی است که مشخص می‌کند تا چه میزان برنامه از موفقیت برخور دار است و به هدفی که برای آن طرح ریزی شده است،نزدیک شده است. از جمله الگوها که به تحقق هدفها توجه داشت الگوی هدف گرای

(تایلر) بود، از رهگذر این الگو است که می‌توان از میزان نیل به هدف‌های یک برنامه اطلاع حاصل و بر اساس آن قضاوت کرد.

گفتنی است تایلر از معدود صاحب نظرانی است که در بکارگیری این الگو پیشگام بوده است به عقیده ای وی «برای طراحی واجرای ارزیابی آموزشی یک برنامه، ابتدا باید هدف‌های برنامه را مشخص کرد .» (به نقل از بازرگان همان ص۱۰۳) منبع هدف‌ها را سه امر (فراگیران، جامعه و متخصصان) می‌داند وهدف‌ها هم باید به صورت اندازه گیری بیان شود، پس از ارزیابی اگر مشخص شد که هدف‌ها محقق نشده است نمایانگر نا رسایی برنامه درسی خواهد بود.

برای استفاده از الگوی تحقق هدف، هشت مرحله به شرح زیر بایستی طی شود:

۱ـ تعین هدف‌های کلی وهدفهای ویژه برنامه؛

۲- طبقه بندی هدف‌ها بر حسب حیطه‌ها

۳ـ بیان هدف‌ها به صورت قابل اندازه گیری؛

۴ـ تعین شرایطی که دست یافتن به هدف‌ها را امکان پذیر می‌سازد؛

۵ـ تدوین یا انتخاب ابزار اندازه گیری؛

۶ـ گرد آوری داده‌ها در باره عملکرد یاد گیرندگان؛

۷ـ مقایسه داده‌ها با هدف‌های عملکردی؛

۸ ارایه پیشنهاد برای بهبود برنامه؛

برای قضاوت درتحقق هدف‌ها باید به مراحل یاد شده توجه شود و با توجه به این مراحل می‌توان در باره تحقق هدف‌های مورد ارزیابی قضاوت کرد. توجه به این نکته ضروری است که، با استفاده از الگوی هدفگرا نمی‌توان در باره مطلوبیت برنامه قضاوت کرد.

تکمله

آنچه بیان شد، مجموعه رویکردهای موجود در مورد ارزشیابی آموزشی است که، در جوامع علمی مطرح است و به نحو تفصیل در آثار اندیشمندان دانش تعلیم و تربیت تبیین شده است که بعضا با هم تداخل دارند از این رو می‌توان مجموعه رویکردها را به شکل زیر و با ذکر ویژگی، مزایا و محدودیت‌ها دسته بندی کرد:

رویکرد سنتی یا اندازه‌گیری‌محور

این رویکرد بر سنجش نتایج یادگیری از طریق آزمون‌های استاندارد و نمره‌دهی تأکید دارد. در این دیدگاه، موفقیت دانش‌آموز بر اساس عملکرد او در آزمون‌ها تعیین می‌شود.

ویژگی‌های رویکرد سنتی

تأکید بر نتایج نهایی یادگیری؛
استفاده از آزمون‌های کتبی و استاندارد؛
مقایسه عملکرد فراگیران با یکدیگر؛

مزایای رویکرد سنتی

سهولت اجرا و تحلیل نتایج
امکان مقایسه عملکرد فراگیران

محدودیت‌های رویکرد سنتی

توجه کم به فرآیند یادگیری
نادیده گرفتن تفاوت‌های فردی

۲- رویکرد هدف‌مدار

این رویکرد که با نظریات «رالف تایلر» شناخته می‌شود، میزان تحقق اهداف آموزشی را ملاک اصلی ارزشیابی قرار می‌دهد.

ویژگی‌های رویکرد هدف مدار

تعیین اهداف رفتاری مشخص
سنجش میزان دستیابی به اهداف
ارتباط مستقیم بین آموزش و ارزشیابی

مزایای رویکرد هدف مدار

شفافیت در معیارهای ارزشیابی

امکان برنامه‌ریزی دقیق آموزشی

محدودیت‌های رویکرد هدف مدار

دشواری اندازه‌گیری برخی اهداف پیچیده

محدود شدن یادگیری به اهداف از پیش تعیین‌شده

۳- رویکرد تصمیم‌گیری‌محور

در این رویکرد، ارزشیابی ابزاری برای کمک به تصمیم‌گیری مدیران و برنامه‌ریزان آموزشی محسوب می‌شود. مدل CIPP از مهم‌ترین الگوهای این رویکرد است که دارای ابعاد زیر می‌باشد:

ابعاد مدل:CIPP

ارزشیابی زمینه(Context))

ارزشیابی درون‌داد(Input))

ارزشیابی فرآیند(Process))

ارزشیابی برون‌داد(Product))

مزایای رویکرد تصمیم گیری محور

جامع‌نگری در ارزشیابی

کمک به بهبود برنامه‌های آموزشی

۴- رویکرد سازنده‌گرایانه

این رویکرد بر این مبنا استوار است که، یادگیرندگان دانش را به صورت فعال می‌سازند؛ بنابراین ارزشیابی نیز باید در بستر فعالیت‌های واقعی یادگیری انجام شود.

ویژگی‌های رویکرد سازنده گرایانه

تأکید بر یادگیری معنادار

استفاده از پوشه کار(Portfolio))

ارزشیابی عملکردی و پروژه‌ای

مزایای رویکرد سازنده گرایانه

توجه به مهارت‌های تفکر و حل مسئله

افزایش مشارکت فراگیران

۵- رویکرد ارزشیابی تکوینی

ارزشیابی تکوینی در طول فرآیند آموزش انجام می‌شود و در مقابل ارزشیابی پایانی قرار دارد که معمولا در پایان ترم انجام می‌شود. هدف از ارزشیابی عمدتا بهبود یادگیری دانش آموزان است.

ویژگی‌های ارزشیابی تکوینی

ارائه بازخورد مستمر

شناسایی نقاط قوت و ضعف یادگیرندگان

اصلاح فرآیند تدریس

مزایای رویکرد ارزشیابی تکوینی

افزایش کیفیت یادگیری

کاهش اضطراب ناشی از آزمون‌های پایانی

۶- رویکرد ارزشیابی اصیل (Authentic Assessment)

در این رویکرد، توانایی فراگیران در انجام فعالیت‌های واقعی و کاربردی مورد سنجش قرار می‌گیرد.

نمونه‌های ارزشیابی اصیل

پروژه‌های عملی

ارائه‌های کلاسی

حل مسائل واقعی

مزایا:

ارتباط یادگیری با زندگی واقعی

سنجش مهارت‌های کاربردی

مقایسه رویکردها

هر یک از رویکردهای ارزشیابی آموزشی بر جنبه خاصی از یادگیری تأکید دارند. رویکرد سنتی بیشتر بر نتایج یادگیری، رویکرد هدف‌مدار بر تحقق اهداف، رویکرد تصمیم‌گیری‌محور بر بهبود برنامه‌ها و رویکردهای سازنده‌گرایانه و اصیل بر فرآیند یادگیری و کاربرد دانش تمرکز دارند. امروزه متخصصان آموزش استفاده تلفیقی از این رویکردها را برای دستیابی به ارزشیابی جامع توصیه می‌کنند.

نتیجه

تحولات آموزشی موجب شده است که ارزشیابی از یک ابزار صرفاً سنجشی به فرآیندی برای بهبود یادگیری و آموزش تبدیل شود. شناخت رویکردهای مختلف ارزشیابی آموزشی به معلمان، مدیران و برنامه‌ریزان کمک می‌کند تا روش‌های مناسب‌تری برای سنجش یادگیری انتخاب کنند. بهره‌گیری متوازن از رویکردهای مختلف می‌تواند به ارتقای کیفیت نظام آموزشی و توسعه یادگیری عمیق‌تر منجر شود.

ارزشیابی آموزشی در تمامی فعالیت‌های انسان بخصوص در فعالیت آموزشی از همیت برخور دار است؛ چرا که فرایند ارزشیابی است که مشخص می‌کند برنامه‌های آموزشی به اهداف که برای آن طراحی شده است در چه میزان محقق شده است؟ در ارزشیابی‌های آموزشی باید به قواعد واستانداردهای که از سوی صاحب نظران ارزشیابی ارایه شده است

توجه جدی صورت‌گیرد در غیر این صورت ارزشیابی کارایی لازم را نخواهد داشت. صاحبنظران بارویکردهای متفاوت الگوهای ارزشیابی را ارایه کرده‌اند وهر کدام به یک حیطه خاص پرداخته‌اند وهر کدام دارای اصول و قواعد مخصوص به خود می‌باشد.

کتابنامه

بازرگان عباس، **ارزشیابی آموزشی**، سمت، تهران ۱۳۸۹.
پور ظهیر علی تقی، **مقدمه ای بر برنامه‌ریزی آموزشی ودرسی**، آگاه، تهران ۱۳۸۵.
خورشیدی عباس، **ارزشیابی آموزشی**، نشر یسطرون، تهران، ۱۳۸۲.
ریچارد ام ـ ولف، **ارزشیابی اموزشی** ترجمه علی رضا کیا منش، مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۷۱.
کیامنش علی رضا، **روش‌های ارزشیابی آموزشی**، دانشگاه پیام نور ۱۳۸۳.
معین حسن، **فرهنگ فارسی معین**، امیر کبیر، تهران ۱۳۵۸.
مهجور سیامک رضا، **ارزشیابی آموزشی**، نشر ساسان، تهران ۱۳۷۶.